بررسی تاریخی فتنه در گفت‌وگوی «وطن امروز» با حشمت‌الله قنبری

فتنه پهلوان کُش است

مهدی هدایتی: فتنه ۸۸ باید هر ساله بررسی شود تا هم ریشه‌های شورش علیه مردم و نظام واکاوی و بررسی شود و هم همواره به مردم یادآوری شود دشمن خارجی چگونه می‌تواند با در اختیار گرفتن افراد سرشناس داخلی، آبروی یک ملت را بازیچه خود کند. در کنار بررسی فتنه، توجه به یوم‌الله ۹ دی هم بسیار مهم و قابل توجه است. ۹ دی روز اسلام‌خواهی و دین‌خواهی مردم ایران بود. حشمت‌الله قنبری از جمله افرادی است که افکار عمومی در ایران او را با تحلیل‌های دقیق از تاریخ اسلام و تاریخ شیعه می‌شناسند. با این استاد پژوهشگر درباره ریشه‌های تاریخی فتنه گفت‌وگو کردیم تا از زاویه یک پژوهشگر مسلمان، فتنه ۸۸ و ۹ دی را نظاره کنیم. حشمت‌الله قنبری بسیار صریح‌تر از آنچه در تلویزیون نشان می‌دهد درباره فتنه سخن گفت و نشان داد موضوعات سیاسی و تحولات داخلی کشور را کاملا دنبال می‌کند. در ادامه گفت‌وگوی «وطن امروز» با حشمت‌الله قنبری را می‌خوانیم:

***

■ ضمن تشکر از شما، ما در مناسبت مهم ۹ دی‌ماه هستیم که به اعتقاد بسیاری از بزرگان یک یوم‌الله است. روزی که مردم با حضورشان یک فتنه بزرگ را زمینگیر کردند. می‌خواهم از شما درباره ریشه فقهی این فتنه سوال بپرسم و اینکه اساسا چرا چنین اتفاقی یک فتنه بود؟

از شما به‌خاطر فرصتی که برای کاوشگری پدیده فتنه و بررسی ابعاد و اطراف آن فراهم آوردید سپاسگزارم و امیدوارم این گفت‌وگو در فضایی منصفانه و علمی سرانجام خوش و کنایت‌دانه‌ای داشته باشد و پرسش و پاسخ‌های ما از لغزش و نگاه متعصبانه دور بماند. بنده با اعتقاد اسلامی و انقلابی با شما سخن می‌گویم و نسبت به هیچکدام از جریان‌های سیاسی کشور جدای از حقیقت تابناک اسلام، اصل ولایت و ارزش‌های انقلاب اسلامی هیچگونه مناسبت و تعلق‌خاطری ندارم.

در سال ۸۸ و در جریان و متعاقب انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری مجموعه حوادث تلخی به وقوع پیوست که دستاوردهای عبرت‌آموزی داشت.

اولا شهد و شیرینی حضور حماسی مردم در انتخابات را به کام ملت تلخ کرد، ثانیا برای مدت قابل ملاحظه‌ای دشمن را به براندازی نظام اسلامی امیدوار کرد، ثالثا موجی از ناآرامی و التهاب بر جامعه حکمفرما شد به نحوی که میان پدر و پسر، خواهر و برادر و مادر و فرزند اختلاف و تشتت به وجود آمد، رابعا بخش مهمی از انرژی ارکان و دستگاه‌های مختلف کشور برای خدمت به مردم از بین رفت، خامسا واژگانی بهنام فتنه، خواص و بصیرت (اگر چه در قرآن کریم و احادیث رسول خدا و عترت طاهره علیهم‌السلام پیوسته از آنها یاد شده بود) وارد فرهنگنامه سیاسی کشور شد که تدریجا در متن زندگی مردم نهادینه شد و در هر مجلسی در اطراف این واژگان سخن گفته می‌شد، اگر چه ممکن است در حین گفت‌وگو در رابطه با واژگان کلمات در قرآن و حدیث سخنی بگویم اما بنده بنا ندارم با مجموعه‌ای از اقوال و اخبار تاریخی وقت شما را بگیرم، لذا فتنه را به عنوان مجموعه‌ای از پدیده‌های اجتماعی - سیاسی که فضای جامعه دینی ایران را با موجی درهم‌آمیخته از حق و باطل با تلاطم خطرناکی روبه‌رو کرده، مورد تحلیل قرار می‌دهم.

به اعتقاد من فتنه ۸۸ ترفندی سیاسی - اجتماعی و مدیریت شده بود که با در هم آمیختن حق و باطل و نهان‌سازی باطل در پوسته حق، به منظور اغفال و فریفتن مردم و رسیدن به مقاصدی شوم برنامه‌ریزی و عملیاتی شد.

شما وقتی حوادث هراسناک دوران غربت اسلام در عصر درگذشت جانکاه رسول خدا را بررسی می‌کنید، با مجموعه‌ای از فتنه‌های شگفت‌انگیز و دردناک مواجه خواهید شد که سرنوشت امت اسلام را از صراط مستقیمی که آن حضرت ترسیم فرموده بودند خارج کرد. بدون تردید اگر آن فتنه‌ها مهار می‌شد جهان امروز چهره دیگری از اسلام را مشاهده می‌کرد.

تجمع و تراکم فتنه‌های ۲۵ ساله ارزش‌های متعالی جامعه اسلامی را دگرگون ساخت و از اسلام جز نامی کمرنگ و کم‌فروغ باقی نگذاشته بود. ویژگی فتنه این است که اگر با قدرت و اقتدار و بموقع مهار نشود، به سرعت دامنگیر و آتشش ویرانگر می‌شود که شخصیتی بی‌تکرار و بی‌نظیر مانند امیرالمومنین علی(ع) را نیز با خوف و خطرهای شگفت‌انگیز مواجه می‌کند و از آن حضرت چهره مظلوم‌ترین شخصیت الهی را در میان سلسله رسولان و انبیا و ائمه هدایت به تصویر می‌کشد.

کلمه فتنه مصدر عربی از فتن و در لغت به معنای در آتش انداختن و گداختن سیم و زر به منظور آزمایش و جدا ساختن مواد خالص آن از ناخالصی است و در مجموع آیات کریمه قرآن ۶۰ مرتبه از واژه فتنه و مشتقات آن با معانی متنوع استفاده شده است.

در آیه ۲۸ سوره مبارکه انفال از ابتلا و آزمایش با عنوان فتنه یاد شده است و در آیه ۱۹۳ سوره مبارکه بقره از شرک و بت‌پرستی به عنوان محمل و مولد فتنه سخن به میان آمده است.

وقاتلوهم حتی لاتکون فتنة و یکون الدین لله... و با آنان چندان نبرد کنید که شرک باقی نماند و دین فقط دین الهی است.

و در سوره‌های مبارکه ذاریات، حج، مائده، توبه و نساء از عذاب، رنج و بلا، حیرانی و گمراهی، نفاق و تفرقه و فریب، اختلاف و شکنجه و قتل به عنوان معادل‌های فتنه یاد شده است.

اما به لحاظ مفهوم، فتنه لباس حق بر تن باطل کردن و تحمیل تلاطم اجتماعی - سیاسی به جامعه به منظور فریفتن مردم برای رسیدن به مطامع و مقاصد شوم است.

عالی‌ترین بیان از ویژگی‌های فتنه، همان است که مرحوم سید رضی از قول مولای ما امیرالمومنین در خطبه ۹۳ نهج‌البلاغه نقل کرده است: ان الفتن اذا اقبلت شبّهت و اذا ادبرت نبّهت، ینکرن مقبلات و یعرفن مدبرات، یحمن حوم الریاح، یصبن بلداً و یخطئن بلداً.

هنگامی که فتنه‌ها روی می‌آورند شبیه حق هستند و زمانی که عبور کرد و خاتمه پیدا کرد، حقیقت آن آشکار می‌شود.

ینکرن مقبلات و یعرفن مدبرات، فتنه در آغاز برای بسیاری از مردمان سیمایی ناشناخته دارد و از راه‌های پنهان وارد می‌شود. «خفیة فی مدارج خفیه» از راه‌هایی وارد می‌شود که بسیاری از مردم در نگاه اول نسبت به آنها حساسیتی نشان نمی‌دهند.

فتنه‌گران تدریجاً و آرام آرام سنگرهای دینی و اجتماعی را فتح می‌کنند و افراد جامعه هدف را با فریبکاری و اغفال با خود همراه و همسو می‌کنند یا سنگرنشینان را با خود همسو می‌کنند.

«یحمن حوم الریاح، یصبن بلداً و یخطئن بلداً» فضای فتنه غبارآلود و از جنس گردباد است و مردم هنگام گرفتار شدن در فضای غبارآلود فتنه، هوش و حواس خویش را از دست داده و به استثنای خواص دارای بصیرت، دیگران نمی‌توانند عقل و اندیشه خود را به درستی به کار گیرند. لذا نوعاً مردمان هدف فتنه در جهتی مخالف با اهداف اعتقادی خود طی طریق می‌کنند و معمولا گوش شنوای خود را برای شنیدن سخنان خیرخواهان از دست می‌دهند.

یکی از ویژگی‌های زشت و مزورانه فتنه‌انگیزان در منطق امیرالمومنین این است که «و أصاب البلاء من أبصر فیها و أخطأ البلاء من عمی عنها». آنها تمام همت خود را به کار می‌برند تا کسانی را که از پشت پرده افکار و اندیشه‌های سیاه و فریبکارانه آنها آگاه هستند، ترور شخصیت کرده و اعتبار آنها را در میان مردم بشکنند، حتی اگر فرصت شد از حذف فیزیکی و قتل آگاهان از فتنه اجتناب نمی‌کنند. یکی دیگر از اصلی‌ترین ویژگی‌های فتنه، شخصیت‌محور بودن آن به جای حقیقت‌محور بودن است. هنگام بروز فتنه، فتنه‌انگیزان با تمرکز و تبلیغ شخصیت و پیشینه و سوابق ارباب و اصحاب فتنه، اندیشه و تدبیر و تفکر مردم را به سرقت می‌برند تا با این قبیل بزرگنمایی‌ها کسی به ابعاد فعلی و آتی فاجعه فکر نکند.

این روش بزرگانی مانند خزیمة بن ثابت، عبدالله بن عمر و سعد بن ابی وقاص را هم دچار حیرت کرد و آنها هم در بهترین تعریف مفتون فتنه شدند. خزیمه در رکاب امیرالمومنین علی به میدان جمل هم وارد شد اما از ورود به جهاد و خارج ساختن شمشیر خود از نیام ابا کرد. در ماجرای فتنه جمل حارث بن حوط در مقام نقد آمیخته به تهدید به امیرالمومنین گفت: آیا گمان کرده‌ای که من اصحاب جمل را گمراه می‌شناسم؟!

امیرالمومنین در پاسخ به وی فرمود: «یا حارث إنک نظرت تحتک و لم تنظر فوقک فحرت إنک لم تعرف الحق فتعرف أهله و لم تعرف الباطل فتعرف من أتاه»؛ ای حارث، تو کوتاه‌بینی و از دوراندیشی و بلندنظری محروم هستی، به همین علت حق را رها کردی، تو حق را نشناختی تا اهلش را بشناسی، تو از شناخت باطل نیز درمانده شده‌ای به همین علت باطل‌گرایان را هم نشناختی.

حارث که قافیه را باخته می‌دید، گفت: البته من در همراهی با «سعد بن ابی وقاص» و «عبدالله بن عمر» کناره گرفتم.

امام فرمود: «إنّ سعداً و عبدالله بن عمر لم ینصرا الحق و لم یخذلا الباطل». آن دو هم حق را یاری نکردند و باطل را خوار نساختند.

پس فتنه حداقل دارای ۵ ویژگی اصلی و ویرانگر است:

۱- آغازی ناشناخته و استتار شده دارد.

۲- از فضای غبارآلود و گردبادی برخوردار است.

۳- آگاهان و صاحبان بصیرت را هدف و آماج ترورهای فیزیکی و شخصیتی قرار می‌دهد.

۴- در فتنه حق و حقیقت متروک شده و شخصیت‌ها به اعتبار سابقه و اسم و رسم لباس حق بر تن می‌پوشند.

۵- در فتنه حق و باطل آنچنان درهم‌آمیخته می‌شود که کار بر اهل ایمان و حقیقت و مردمان حقیقت‌جو سخت می‌شود.

لذا ضرورت حضور امام حق و معجزه حضور مبارک او برای بالازدن شجاعانه پرده‌ها و پیرایه‌ها و نمایاندن راه‌ها از بیراهه‌ها جنبه منت خدا بر بندگان را به خود می‌گیرد.

مانند امیرالمومنین که می‌فرماید: «فلو أنّ الباطل خلص من مزاج الحق لم یخف علی المرتادین و لو أنّ الحق خلص من لبس الباطل انقطعت عنه ألسن المعاندین». اگر باطل از آمیزش با حق خالص می‌شد راه بر حق‌جویان پوشیده نمی‌ماند و اگر حق در پوشش باطل پنهان نمی‌گشت زبان دشمنان یاوه‌گو از آن قطع می‌گشت.

«و لکن یؤخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فیمزجان فهنالک یستولی الشیطان علی أولیائه و ینجو الذین سبقت لهم من الله الحسنی».

ولی پاره‌ای از حق و پاره‌ای از باطل فراهم شده و درهم‌آمیخته می‌شود، در این وقت شیطان بر دوستانش مسلط می‌شود و آنان که لطف حق شامل‌شان شده نجات می‌یابند.

لذا در ادامه راه شخصیتی که فتنه‌ها را خوب تبیین فرموده است، شخصیت دیگری لازم است تا شجاعانه و حیدرگونه مبانی تعلیمی را ابلاغ و مردم را برای برون‌رفت سریعتر از فتنه‌ها رهبری کند.

البته بر عکس آرزو و خواسته فتنه‌گران که آرزومند این هستند که مخالفین‌شان در آتش فتنه آنها بسوزند، اگر اهل بصیرت دقیقاً به وظیفه روشنگرانه خود عمل کنند، عاقبت آتش فتنه دامنگیر خود فتنه‌گران و فتنه‌انگیزان خواهد شد، «من شبّ نار الفتنة کان وقوداً لها». همانگونه که برای گردباد مهاری نیست، گردباد فتنه نیز از دست گردانندگان فتنه خارج خواهد شد و اصل و فرع سرمایه و منافع آنها را با خود خواهد برد.

■ آقای دکتر! این فتنه که شما شرایط و پیچیدگی‌های آن را مورد اشاره قرار دادید در سال ۸۸ رونمایی شد یعنی بستر و شرایط آن قبل از به‌وجود آمده بود. درباره این موضوع می‌خواستم نظر شما را بدانم. ضمن اینکه می‌خواهم روایت شما از این فتنه را نیز بشنویم؟

یقینا سخن گفتن در رابطه با فتنه عجیب سال ۸۸ بدون بازخوانی و تحلیل دقیق و مناسب رفتارهای انتخاباتی گذشته نمی‌تواند آینه شفافی را پیش روی ما قرار دهد. برخی رفتارهای انتخاباتی در دوره‌های پیشین ریاست‌جمهوری و حتی مجلس شورای اسلامی در حقیقت مقدمات فتنه ۸۸ را فراهم آورد. ما کشوری انقلابی و اسلامی هستیم و در سایه انقلاب اسلامی و در پی آن ۸ سال دفاع مقدس، مردم ما با این امید و باور زندگی کرده‌اند انتخاب کردن و انتخاب شدن هم انحصاراً فرصت و وسیله‌ای برای حفظ ارزش‌های والای اسلام و انقلاب و خدمت به مردم بزرگی است که همه هستی خود را به پای اسلام ریخته‌اند. در دوران سازندگی به نام توسعه، اتفاقات ناپسند و ناسازگاری به وقوع پیوست و خواسته یا ناخواسته رقابت بر سر دنیا و به دست آوردن مطامع دنیا جایگزین خدمت بی‌منت و روحیه زهد و قناعت شد. هر چه به خاتمه دولت دوم سازندگی نزدیک شدیم، احزاب و گروه‌های دولت‌ساخته با این اعتقاد که غیر از شخصیت مورد قبول و احترام آنها شخصیت دیگری توانایی اداره کشور را ندارد، با امیرکبیرسازی به دنبال دخل و تصرف در قانون اساسی افتادند. البته ممکن است عده‌ای حتی با حسن‌نیت در پی چنین پروژه‌ای افتاده بودند و از هیچ تلاشی فروگذار نبودند اما نفس این درک اهانت به شخصیت انقلاب و کشور بود. به هر حال این پروژه سرنوشتی جز ناکامی برای طراحان آن نداشت. لذا انتخابات ریاست‌جمهوری هفتم وارد مرحله جدیدی شد و در رقابت میان دو کاندیدای روحانی و سابقه‌دار، تبلیغات آمیخته به دروغ و تهمت و عوامفریبی سراسر کشور را فرا گرفت و چون یکی از نامزدهای انتخاباتی به عنوان ادامه‌دهنده وضع موجود و دیگری به عنوان نماد اصلاحات و تحول اساسی در نظام مدیریت اجرایی کشور به حساب می‌آمد اقبال مردم به سوی شخصیتی برگشت که بعدها دولت شکل گرفته به اصلاحات موسوم شد. عملکرد دولت اصلاحات، حتی اگر با چنین نیتی وارد انتخابات نشده بودند، به نوعی به جنگ با کلیت نظام تبدیل شد و اتفاقاً مصلحان جامعه مدنی بدترین و اهانت‌آمیزترین مواضع خود را به سوی کسی برگرداندند که شیوه رفتار و مواضع او خصوصاً در آخرین نماز جمعه قبل از انتخابات، تاثیر شگرف و عجیبی را در پیروزی آنها و حذف رقیب آنان داشت.

همین مصلحان، «سردار» و «امیر» را در تلخ‌ترین اتهام و بدترین شرایط قرار دادند و از او شخصیتی به تصویر کشیدند که نزدیکی به ایشان در جامعه ایران ضد ارزش به حساب می‌آمد.

در پی انتخابات ریاست‌جمهوری هفتم، انتخابات مجلس ششم و بعد انتخابات هشتمین دوره ریاست‌جمهوری و شوراهای اسلامی شهر و روستا نیز با همین شیوه مدیریت شد. در نتیجه مجلس و

یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های فتنه، شخصیت‌محور بودن آن به جای حقیقت‌محور بودن است. هنگام بروز فتنه، فتنه‌انگیزان با تمرکز و تبلیغ شخصیت و پیشینه و سوابق ارباب و اصحاب فتنه، اندیشه و تدبیر و تفکر مردم را به سرقت می‌برند تا با این قبیل بزرگنمایی‌ها کسی به ابعاد فعلی و آتی فاجعه فکر نکند. این روش بزرگانی مانند خزیمة بن ثابت، عبدالله بن عمر و سعد بن ابی وقاص را هم دچار حیرت کرد و آنها هم در بهترین تعریف مفتون فتنه شدند. خزیمه در رکاب امیرالمومنین علی به میدان جمل هم وارد شد اما از ورود به جهاد و خارج ساختن شمشیر خود از نیام ابا کرد. در ماجرای فتنه جمل حارث بن حوط در مقام نقد آمیخته به تهدید به امیرالمومنین گفت: آیا گمان کرده‌ای که من اصحاب جمل را گمراه می‌شناسم؟!

گفت‌وگو

فتنه ۸۸، ستیز با جمهوریت و مردمسالاری بود

ادامه از صفحه اول

■ از نظر شما چه عاملی در شکل‌گیری حماسه ۹ دی موثر بود؟